

شماره جلسه: ۹۸	هوالحکیم استراتژی برای کودکان
تاریخ: ۱۳۹۶/۰۸/۱۴	بشقاب لک‌لک
روی کرد: آیت‌مدار (۲۸)	عنوان درس: آیت‌شناسی (ضیافت به قاعده‌ی خود)
تصمیم‌مدار (۱۵)	ابزار کمک‌آموزشی: داستان

- «جالب بود. کارتون قشنگی بود.»

- «کجاش جالب بود سعید؟! لک‌لک رفته خونه روباهه مهمونی، بعد اون روباه بی‌معرفت توی بشقاب برایش سوپ ریخته. آخه بی‌معرفت! لک‌لک با اون منقار درازش چه‌جوری می‌تونه از توی بشقاب سوپ بخوره؟»

- «جمشید تو که فقط گیر می‌دی. ندیدی لک‌لک مقابله به مثل کرد و روباهه رو دعوت کرد و به جای بشقاب، غذا رو توی کوزه بهش داد. به نظر من که لک‌لک خیلی خوب روباهه رو تنبیه کرد. روباهه ادب شد که دیگه این‌جوری بدجنسی نکنه.»

رضا پرید وسط و سعید را ساکت کرد: «لک‌لک هم کارش درست نبود. هم روباه و هم لک‌لک باید همراه خودشون ظرف خودشونو می‌بردن؛ لک‌لک وقتی رفت خونه‌ی روباه باید کوزه‌اش رو می‌برد تا روباه سوپ رو توی کوزه بریزه. روباهه هم وقتی رفت خونه لک‌لک باید بشقاب خودش رو می‌برد. به نظر من هر کی باید خودکفا باشه و دیگران رو به زحمت ندازه.»

جمشید قانع نشد و با بی‌حوصلگی غر زد: «نخیر. اصلاً چرا باید روباه و لک‌لک با هم دوست بشن که ظرف‌هاشون مثل هم نباشه! روباهه بره با روباه‌ها دوست بشه اونو رو دعوت کنه، لک‌لک هم با لک‌لک‌ها.»

اسفندیار که پای ظرف میوه نشسته بود و دانه‌های انگور را جدا می‌کرد و می‌خورد با دهان پر از انگور گفت: «من می‌گم لک‌لک باید بشقاب غذا رو برمی‌داشت می‌برد خونه‌اش می‌ریخت توی کوزه و می‌خورد. روباهه هم کوزه رو می‌برد خونه‌اش و می‌ریخت توی بشقاب و می‌خورد، دعوا و دل‌خوری هم پیش نمی‌اومد. من وقتی می‌رم حسینیه برای عزاداری، بعدش ظرف غذا رو می‌گیرم می‌آم خونه با حوصله می‌خورم. روباه و لک‌لک هم می‌بردن خونه‌اشون می‌خوردن.»

مادر حسنگ کیک تولد او را در بشقاب‌ها تقسیم کرد و آن‌ها را روی میز چید. حسنگ هم در هر بشقاب، یک کارد و چنگال کنار کیک‌ها گذاشت و آن‌ها را به دست بچه‌ها داد. رضا بشقاب کیک خود را از حسن گرفت و با شوخی گفت: «حسنگ! کیک اسفندیار رو بذار توی ظرف، اونو می‌بره خونه‌اشون بعداً می‌خوره.»

بچه‌ها خندیدند. اسفندیار با خنده گفت: «آره، چون من فعلاً میوه می‌خورم.»

حسنگ بشقاب خود را برداشت و کنار سعید نشست و گفت: «اما من فکر می‌کنم هر کی مهمون دعوت می‌کنه باید حال اونو مراعات کنه. روباهه باید از قبل به فکر تهیه یه کوزه می‌افتاد. بعد سوپ رو می‌ریخت توی اون و می‌داشت جلوی

لک‌لک. این رسم مهمان‌نوازیه. مهمان‌نوازی که فقط به پختن غذای خوب نیست، بلکه باید ظرف مناسب مهمون هم آماده باشه. لک‌لک هم باید یه بشقاب برای روباهه آماده می‌کرد. به نظرم کارشون به لیج‌بازی و انتقام‌گیری کشید.» سعید گفت: «آ... چندتا نظر شد! بذار من اینا رو بنویسم و توی مدرسه نظر بچه‌ها رو درباره این گزینه‌ها بپرسم. خب به ترتیب نظراتون رو دوباره بگید.»

- جمشید گفت: «گزینه‌ی اول مال منه. من می‌گم اصلاً چرا روباه و لک‌لک باید دوست باشن که وقتی می‌رن خونه هم‌دیگه، مشکل ظرف غذا داشته باشن؟ اصل روباه‌ها با لک‌لک‌ها.»
- رضا گفت: «گزینه دوم مال منه. من می‌گم هر کدوم باید ظرف خودشونو همراه می‌بردن؛ روباهه بشقاب می‌برد، لک‌لک هم کوزه می‌برد. اصل خودکفایی.»
- اسفندیار گفت: «گزینه سوم مال منه. هر کی باید توی مهمونی غذا رو می‌گرفت و می‌برد خونه توی ظرف خودش می‌ریخت و می‌خورد. اصل نخود نخود هر که غذا رو ببره خونه‌ی خود.»
- سعید گفت: «نظر خودم رو هم بنویسم. گزینه چهارم مال منه. به نظر من لک‌لک کار خوبی کرد که روباه رو دعوت کرد و توی کوزه برایش غذا ریخت. این جور روباهه رو ادب کرد. اصل مقابله به مثل.»
- حسنگ گفت: «گزینه پنجم هم مال منه. من می‌گم وقتی مهمون می‌آد باید ظرف مناسب رو برایش آماده کرد؛ روباه باید کوزه آماده می‌کرد برای لک‌لک، و لک‌لک هم باید بشقاب آماده می‌کرد برای روباه. این اصل مهمان‌نوازیه.» سعید جمله‌ی آخر حسنگ را هم نوشت و دفتر را بست و گفت: «فردا توی مدرسه این پرسش پنج گزینه‌ای رو از بچه‌ها می‌پرسم بینم پاسخ بچه‌ها چیه.» بعد با تعجب پرسید: «بچه‌ها واقعاً کدوم گزینه صحیح‌تره؟» همه به هم نگاه کردند. هیچ‌کس حاضر نبود از نظر خود برگردد. اما پرسش هم‌چنان بر جا بود: «کدام گزینه صحیح است؟»

\*\*\*\*\*

هر پنج گزینه صحیح‌اند:

- روباه و لک‌لک نباید دوست باشند، چون روباه سوپ گوشت لک‌لک را دوست دارد.
- خودکفایی بسیار عالی است. اگر روباه و لک‌لک ظرف خود را همراه داشتند بهتر بود.
- مهمانی را محل خوردن قرار نمی‌دادند و هر کس سهم غذای خود در مهمانی را به خانه‌ی خود می‌برد.
- با کسی که بدجنسی می‌کند باید مقابله به مثل کرد و او را ادب نمود.
- رعایت حال مهمان و اصل مهمان‌نوازی شرط مروّت است.



www.stratego